

مطالعات اسلامی: علوم قرآن و حدیث، سال چهل و یکم، شماره پیاپی ۸۳/۳،
پاییز و زمستان ۱۳۸۸، ص ۱۲۰-۱۰۱

مزایای فهرست نجاشی بر فهرست و رجال شیخ طوسی و بررسی نسبت و اختلاف آنها با یکدیگر*

رحیمه شمشیری^۱

دانش آموخته کارشناس ارشد، دانشگاه فردوسی مشهد

E-mail: shamshiri.rahime@gmail.com

دکتر مهدی جلالی

استادیار دانشگاه فردوسی مشهد

E-mail: Mjalali13@yahoo.com

چکیده

محمدبن حسن طوسی مشهور به شیخ طوسی (م. ۶۶۰ق.) و احمدبن علی نجاشی (م. ۴۵۰ق.) دو تن از عالمان سرشناس رجالی نزد شیعه، و هر یک دارای اثر یا آثاری چند در علم رجال هستند. کتاب *الرجال و الفهرست* اثر شیخ طوسی و *فهرست اسماء مصنفی الشیعه* اثر نجاشی هر سه در زمره کتابهای اصلی رجالی شیعه قرار گرفته اند. در این نوشتار برآنیم تا مزایای فهرست نجاشی بر فهرست و رجال شیخ طوسی را از منظرهای گوناگون بررسی نماییم و ارتباط یا عدم ارتباط فهرست نجاشی با فهرست و رجال شیخ و بالعکس را مورد ارزیابی قرار دهیم.

کلید واژه‌ها: شیخ طوسی، نجاشی، رجال، فهرست.

* تاریخ وصول: ۱۳۸۷/۰۳/۲۵؛ تاریخ تصویب نهایی: ۱۳۸۸/۱۱/۲۲.

۱. نویسنده مسئول

۱- طرح مسأله

شیخ طوسی مؤلف دو کتاب از آثار چهارگانه اصلی رجال شیعی یعنی *الفهرست* و *الرجال* و تلخیص کننده رجال کشی است که آن نیز یکی دیگر از کتب چهارگانه اصلی رجال شیعه شناخته شده است. شیخ طوسی هر یک از این آثار را با انگیزه و هدف ویژه ای نگاشته یا گزینش کرده است. ناگفته نماند در این نوشته مقصود از آثار رجالی شیخ، صرفاً *فهرست* و *رجال اوست* و در بحث بررسی نسبت، *فهرست* شیخ بیشتر مدنظر است.

گفته شده است که کتاب *رجال* شیخ همزمان (بهودی، *معرفة الحدیث*، ۴۹؛ قیومی، *مقدمه بر فهرست طوسی*، ۱۶) یا اندکی بعد از نگارش *فهرست* او نوشته شده است (بحرالعلوم، محمد صادق، *مقدمه بر رجال طوسی*، ۵۶) و *فهرست (رجال)* نجاشی بعد از هر دوی این آثار تدوین شده است.

شیخ در کتاب *فهرست* به شرح حال بیش از نهمصد تن از صاحبان تصانیف و اصول پرداخته و در حدود دو هزار کتاب از آثار شیعه را معرفی کرده است (قربانی، ۱۳).

انگیزه شیخ طوسی از تدوین *فهرست* با توجه به نکات مذکور در مقدمه او در *فهرست*

* ناقص و ناتمام بودن تمامی *فهرست* های کتب امامیه تا زمان شیخ، به جز دو *فهرست* احمد بن حسین بن عبیدالله غضایری، موسوم به *فهرست اصول* و *فهرست مصنفات* که به دلایلی از جمله، عدم نسخه برداری نسخه برادران از آن و نیز درگذشت زودهنگام و ناگهانی مؤلف، از بین رفته است.

* تمایل و تشویق «شیخ فاضل» به تألیف کتابی در معرفی آثار شیعه که مشتمل بر ذکر مصنفات و اصول باشد.

انگیزه شیخ طوسی از تألیف کتاب *رجال* با توجه به مقدمه کوتاه وی در این کتاب

* اجابت درخواست «شیخ فاضل».

* جمع آوری و شمارش راویان بلاواسطه و با واسطه معصومین (ع).

آخرین کتاب اصلی رجال شیعه، **فهرست مصنفی الشیعه** اثر ابوالعباس نجاشی است که با نام **رجال نجاشی** مشهور گشته است. این اثر با هدف و انگیزه تقریباً مشترک با **فهرست شیخ طوسی** نگاشته شده است.

فهرست نجاشی که مشتمل بر دو جزء است در بردارنده نام و آثار ۱۲۶۹ مؤلف از مؤلفان شیعه و یا کسانی که برای شیعه کتاب نگاشته اند، است. این رقم با احتساب عناوین مکرر و بدون در نظر گرفتن مؤلفانی است که ترجمه مستقل ندارند. گفته شده نجاشی بالغ بر ۴۰۰۰ کتاب در فهرست معرفی کرده است (دریاب نجفی، ۴۴).

آغاز تألیف **فهرست** در دوران حیات سید مرتضی (م ۴۳۶ق.) بوده است.^۱

انگیزه ابوالعباس نجاشی از تدوین **فهرست** با توجه به نکات مذکور در مقدمه او در **فهرست**

* پاسخ به اعتراض گروهی از مخالفان شیعه بوده است که مدعی بودند شیعه سابقه علمی و مؤلفات ندارد.

* اشاره به ناکافی بودن و کامل نبودن فهرست های پیشین (مقدمه، **رجال**

نجاشی، ۳).

نکته اخیر ما را به پاسخ این پرسش رهنمون می سازد که با توجه به این که نظر غالب محققان بر این است که **فهرست** ناشی بعد از **فهرست** و **رجال** شیخ طوسی نگارش شده است (بحرالعلوم، ۴۶/۲). بنابراین، نجاشی با فرض اطلاع از **فهرست** شیخ، به چه انگیزه ای اقدام به تدوین **فهرست مصنفات شیعه** نموده است. ذکر این نکته لازم

۱- نجاشی کتابش را بعد از سال ۴۱۹ (سال وفات محمد بن عبدالملک تیان) (رجال نجاشی، ۴۰۳) شروع و بعد از سال ۴۳۶ سال درگذشت سید مرتضی (همان، ۲۷۰) به اتمام رسانده است. نجاشی در مقدمه کتاب آرزوی طول عمر برای سید مرتضی کرده و ذیل نام او از سال درگذشت او خبر داده است.

است که نجاشی از هر دو اثر رجالی شیخ در کتاب فهرست خود یاد کرده است (ص ۴۰۳).

کتاب های زیادی که درباره آثار و فواید رجالی نگاشته شده است همواره از عظمت و وسعت دانش و کثیرالتألیف بودن شیخ طوسی یاد کرده اند. اما در زمینه آثار و آرای رجالی ایشان در این زمینه در مقایسه با **فهرست (رجال)** نجاشی، با دلایل خاص و روشنی، کلام نجاشی را ترجیح داده اند. در این مقال ضمن تبیین این موضوع و ارایه شواهد و آمار، درباره نسبت رجالی نجاشی با آثار رجالی شیخ طوسی بحث شده است. نگارنده از طرح این بحث، در پی این موضوع است که نجاشی در تدوین فهرست خود تا چه حد از آثار و آرای شیخ طوسی تأثیر پذیرفته است.

با کنکاش در زندگی شیخ طوسی و نجاشی به دست می آید که ایشان در زمان تألیف آثار رجالی خود در بغداد می زیسته اند. البته به جز تلخیص رجال کشی که شیخ آن را در دهه پایانی عمر خویش و در نجف انجام داد.

بدین ترتیب نجاشی و شیخ طوسی - هر دو - در زمان نگارش آثار رجالی خود در بغداد به سر می بردند. در نتیجه هر دو در اخذ حدیث، از شماری از مشایخ حدیثی همچون شیخ مفید، حسین بن عبیدالله غضائری، احمد بن عبدون و ابن ابی جید مشترک بودند (بحرالعلوم، ۸۶/۲).

اکنون ضمن پاسداشت مقام علمی والای یگانه روزگار که شخصیت، کمال و دانش او تا چند قرن پیاپی همتا نداشت و عالم تشیع وجود فرهنگ و تمدن خود را همواره مدیون زحمات و تلاشهای بی دریغ ایشان است، درباره آثار و آرای رجالی ایشان و در مقایسه با اثر رجالی ابوالعباس نجاشی و آرای وی سخن خواهیم گفت.

۲- ویژگیها و امتیازات فهرست (رجال) نجاشی در سنجش با فهرست و رجال شیخ طوسی

صاحب نظران با توجه به برخی عوامل، ویژگیهایی را برای **فهرست نجاشی**

نسبت به *رجال* و *فهرست* شیخ به شرح زیر برشمرده اند که مایه امتیاز کتاب های این دو عالم بزرگ شیعی از یکدیگر گردیده است:

۱-۲- تخصص انحصاری و مهارت کامل نجاشی در علم رجال

فهرست نجاشی بر دست نویسنده ای کاملاً متخصص در فن رجال و انساب (شوشتری، ۵۴/۱-۵۵) نگاشته شده است چون نجاشی در طول عمر خود، متمرکز در علم رجال بود به گونه ای که تخصص بسیار کامل در آن فن کسب کرده بود؛ اما مشغله های فراوان شیخ، کثیرالتألیف بودن و روی آوردن او به شاخه های گوناگون علوم مانع از کسب تخصص بسیار کامل در بعضی علوم از جمله علم رجال گردید.

۲-۲- بهره گیری نجاشی از استادان نامدار علم رجال

نجاشی بیشتر مشایخ زمان خود را ملاقات کرده و از آنها بهره ها برده است. به ویژه مجالست های او با علمای بزرگ علم رجال؛ از جمله، ابن نوح سیرافی، ابوالحسن ابن جندی، ابوالفرج محمد بن علی کاتب و ملاقات های مکرر او با احمد بن حسین بن عبدالله غضائری که یکی از منتقدان حقیقی علم رجال به شمار می آید (أمین، ۵۶۵/۲؛ شوشتری، ۴۴۳/۱) در حالی که شیخ با این اشخاص ملاقاتی نداشته است (بحرالعلوم، ۴۶۷/۲-۵۰). همچنین شیخ طوسی در مقدمه *فهرست* خود خبر از مرگ نابهنگام ابن غضائری داده و به نقل از یکی از ورثه ابن غضائری از بین رفتن تمام کتابهای او را گزارش داده است (ص ۲). امری که نشان می دهد احتمالاً شیخ طوسی به اطلاعات موجود در این کتابها درباره رجال، آثار و نویسندگان دسترسی نداشته است اما نجاشی که مصاحبت ها و مجالست های زیادی با ابن غضائری داشته و رفیق، همدرس و شاگرد او بوده (آقابزرگ تهرانی، *الذریعه*، ۲۸۹/۴) در سراسر کتابش به سخنان او درباره احوال مؤلفان و آثارشان اشاره کرده یا استناد جسته (نجاشی، ص ۱۱، ۳۷، ۵۲، ۷۷، ۸۳، ۸۵، ۱۱۲، ۱۲۰، ۱۲۲، ۱۴۱، ۱۴۳، ۱۵۱، ۱۵۴، ۱۹۸، ۱۹۳، ۲۱۹، ۲۵۸، ۲۶۹، ۳۲۵، ۳۵۵، ۴۵۹) و در یک مورد، شخصاً از یکی از آثار او نام برده است (همان، ص ۷۶). بنابراین می توان گفت دست کم مسودات ابن غضائری در اختیار نجاشی

بوده است (بهبودی، *معرفة الحدیث*، ۵۸، ۶۱) و هنگام تألیف *فهرست* آنها را پیش روی خود داشته است. هر کس در *فهرست* (*رجال*) نجاشی نظر کند در می یابد که ابن غضایری را نزد او عظمت و مقامی ارجمند بوده و از نظرات تاریخی و رجالی وی بسیار استفاده نموده و به گفته های وی در زمینه رجال و آثارشان ارزش بسیاری داده است (انصاری، ۳۶۲/۴؛ خواجهی، ۲۸۶؛ نجاشی، ۸۳، ۱۵۱، ۱۹۳، ۲۱۹، ۳۲۵، ۴۵۹).

یکی دیگر از علمای مهم رجال، ابن نوح سیرافی بوده است که نجاشی بعد از ابن غضایری، بیشترین تأثیر را در نقد راویان از او گرفته است. وی علاوه بر ذکر برخی منقولات ابن نوح که از طریق دیدارهای حضوری (مشافهات) و غیرحضوری (مکاتبات) بدانها دست یافته بود، مطالب بسیاری را نیز از مؤلفات وی به ویژه کتاب *رجال* او نقل کرده است (ص ۶، ۲۲۵، ۶۲۴، ۴۹۰، ۳۴۸، ۴۳۴، ۴۴۸، ۹۱۵، ۹۲۹، ۹۳۶، ۱۱، ۶۷، ۱۹۸، ۳۵۳، ۳۵۶، ۳۹۶، ۴۱۳، ۴۲۰، ۴۲۳، ۴۳۱، ۴۴۲، ۴۵۲، ۴۵۴، ۴۵۶، ۴۵۷، ۴۷۷، ۴۸۹، ۴۹۲، ۵۳۶، ۵۴۲، ۵۴۶، ۶۴۱، ۸۴۶، ۹۴۲، ۹۶۶، ۱۰۱۷، ۱۰۹۲، ۱۲۱۶، ۱۲۳۲)؛^۱ در حالی که شیخ به تصریح خود هیچ ملاقاتی با ابن نوح نداشته و همچنین از مؤلفات او چیزی در اختیارش نبوده است (طوسی، *الفهرست*، ص ۸۷).

بنابراین، شیخ طوسی از اطلاعات دو تن از متخصصان و خبرگان علم رجال بی بهره بوده است. در حالی که نجاشی در تدوین *فهرست* از دانسته های این دو شخصیت بیشترین استفاده را برده است.

۲-۳- میزان اطلاعات ارائه شده از سوی شیخ طوسی و نجاشی

شیخ طوسی در معرفی راویان و مؤلفان شیعه به ذکر حداقل اطلاعات بسنده کرده است در حالی که نجاشی در شرح حال صاحبان کتاب مسایل بیشتری را از جهت

۱ - علاوه بر شواهد فوق، نجاشی گاه مطالبی را به شخصی با کنیه ابوالعباس استناد می دهد و مشخص ننموده منظور کدام ابوالعباس است زیرا کنیه مذکور هم برای ابن عقده و هم برای ابن نوح سیرافی ذکر شده است و اتفاقاً هر دو کتاب رجال دارند. نجاشی گاه می گوید: ذکر ابوالعباس فی کتاب الرجال (ش ۲۴، ۱۲۵، ۲۶۸، ۲۸۰، ۲۸۸، ۳۲۹) و گاه، ذکر ابوالعباس فی کتابه (ش ۲۵، ۳۷۱)، و گاه فقط می گوید: ذکر (قال) ابوالعباس (ش ۲۶، ۱۲۲، ۱۳۱، ۱۷۰، ۲۷۰، ۲۹۵، ۳۷۳، ۵۰۸، ۵۲۹، ۶۵۷، ۹۱۱ و...) برخی با ارایه قرآینی، مراد نجاشی در این موارد را ابن عقده دانسته اند (شوشتری، *قاموس الرجال*، ۶۳/۱-۶۴).

توثیق یا تضعیف، عصر و طبقه مؤلف، مذهب صحیح یا سوء اعتقاد، مولد، موطن و محل وفات شخص، نسب و خاندان او، آثار و تألیفات مؤلف و کیفیت نسخه‌های آن آورده است (معارف، «مقایسه دیدگاه‌های رجالی نجاشی و شیخ طوسی»، ص ۴۵).

۲-۴- کیفیت اطلاعات ارائه شده از سوی شیخ و نجاشی

اطلاعاتی که نجاشی درباره مؤلفات اشخاص ارایه داده، نوعاً بسیار دقیق و موşkافانه است. او در انتساب آثار به اشخاص دقت نظر خاصی دارد و با کاوش‌های خود نتیجه می‌گیرد که فلان شخص صاحب اثر (ص ۱۱۷) و دیگری اصلاً مؤلف نیست (ص ۲۳۹). او نسخه‌های متفاوت آثار را معرفی کرده (ص ۵، ۶، ۱۲۷، ۱۶۵، ۲۳۰، ۳۲۷، ۱۰۷، ۱۰۹، ۲۵۰، ۲۷۶، ۵۷۲، ۶۷۶، ۲۵۸، ...)، گاه از آنها تمجید نموده (ص ۲۳۱، ۹۳، ۹۶، ۲۰۳، ۲۰۹، ۲۳۳، ۲۳۶، ۸۱۶، ۹۳۹، ۱۱۴۸ و ...) و گاه به جعلی بودن (ص ۲۳۴، ۱۲۹) و یا فاسد و پوچ بودن مطالب آنها (ص ۲۶۵، ۲۳۴، ۳۲۹، ۲۶۷) تصریح نموده است. همچنین گاه علاوه بر تمجید از برخی مؤلفات و آثار به ضعف موجود و وقوع اشتباهات فراوان در آنها اشاره کرده است (ص ۳۷۲). در این صفحه به دو مورد اشاره کرده است). اما در مقام مقایسه، در فهرست شیخ طوسی توجه بسیار ناچیزی به این موارد شده است. در مجموع در فهرست نجاشی برای تمجید و تعریف یا نقد و تعریض بر مؤلفات نویسندگان حدود ۲۶ اصطلاح به کار رفته است که عدد این موضوع در فهرست شیخ طوسی ۱۵ است.

۲-۵- شیوه نجاشی و شیخ طوسی در بیان طرق خود به آثار نویسندگان

و ذکر طبقه آنان

شیخ طوسی از نظر نقد و بررسی طرق، در تمام فهرست خود یک بار به نقد و تضعیف سند کتاب پرداخته است (ص ۲۰۳) اما نجاشی سه طریق ضعیف و مجهول را شناسانده (ص ۳۳۶، ۱۴۹، ۱۲۸) و به طور نسبی به این زمینه توجه بیشتری نشان داده است.

نجاشی همواره طبقه مؤلفان را مشخص نموده اما شیخ در *فهرست* به این مهم نپرداخته، در عوض کتاب *رجال* او به نوعی کتاب طبقات راویان است. ناگفته نماند اساساً تعیین طبقه مؤلفان برعهده فهراس نیست و برای این امر کتاب های طبقات نگاشته می شود.

لذا نپرداختن به طبقات راویان و مؤلفان در *فهرست* شیخ طوسی، نقص یا قصور محسوب نمی شود. اما تحقق این امر در *فهرست* نجاشی، کارآیی و کارآمدی آن را بیشتر کرده است و برای آن به عنوان یک مزیت محسوب می شود.

۲-۶- آراء منتقدانه شیخ طوسی و نجاشی درباره اشخاص

ابراز رأی و نقدهای نجاشی درباره آثار و *رجال* به مراتب بیش از آن است که شیخ در *فهرست* و *رجال* خود بیان داشته است. استقلال رأی، واقع گرایی و اظهارنظر عالمانه و مستند درباره راویان و احادیث آنان، در کتاب نجاشی بسی بیش از دو کتاب شیخ طوسی است (ص ۱۲۲، ۳۸، ۲۵۵، ۳۲۹، ۳۳۳، ۳۳۸، ۳۸۴، ۱۹، ۶۷، ۷۶، ۹۶، ۹۷، ۱۰۵، ۱۰۶، ۲۰۸، ۲۲۵، ۲۳۴، ۳۲۸، ۴۳۰، ۴۴۲). شیخ در کتاب *فهرست* در سه مورد (ص ۳۶۱، ۵۶، ۳۸۱) و در کتاب *رجال* در یک مورد (ص ۳۶۸) صراحتاً به اظهارنظر و رد نظر موجود پرداخته است.

۳- بررسی نسبت *فهرست* نجاشی با *رجال* و *فهرست* شیخ طوسی

۳-۱- دیدگاه تأیید کننده وجود این نسبت

تأخر تألیف *فهرست* نجاشی از *فهرست* و *رجال* شیخ افزون بر آن که یکی از امتیازات *فهرست* نجاشی است، سبب پیدایش این دیدگاه نیز شده است که نجاشی علاوه بر منابع دیگر رجالی به آثار رجالی شیخ به ویژه *فهرست* او نظر داشته است (بحرالعلوم، ۴۶۷-۴۷؛ سبجانی، ۶۰؛ واعظ زاده خراسانی، ۵). صاحبان این رأی

معتقدند منظور نجاشی در بیشتر جاهایی که مطالب را از «بعض اصحابنا» نقل می کند، شیخ طوسی است.

آیت الله بروجردی نیز عقیده دارد که **فهرست نجاشی** به عنوان حاشیه بر **فهرست شیخ نگاشته** شده است (سبحانی، ص ۶۰). برخی شاگردان آیت الله بروجردی برای تأیید نظر استاد دو فهرست را مطالعه و مقایسه کرده و چنین نتیجه گرفته اند: «نجاشی در تراجم رجال و کیفیت پرداختن به مطلب به فهرست شیخ طوسی نظر داشته و سبک و بیان و تعبیر و ترتیب دادن مطالب از آن حاکی است که او کتاب [فهرست شیخ طوسی] را هنگام تألیف **فهرست [خود]** پیش نظر داشته و حتی در پاره ای موارد، به تصحیح مطالب فهرست شیخ بی نظر نبوده است (واعظ زاده خراسانی، ص ۵).

برخی بر این باورند که منظور نجاشی از «اصحابنا» ذیل شماره های ۲۱۳، ۱۴، ۱۲ و ۲۳۳ شیخ طوسی است (شوشتری، ۱/۱۸۴، ۱۸۳، ۱۳۸، ۳۳۸). همچنین انتقاد نجاشی درباره انتساب کتابی به یکی از مؤلفان ذیل شماره ۶۳۵ را تعریض او بر شیخ دانسته اند (خویی، ۱۱/۲۳).

۲-۳- دیدگاه نفی کننده وجود این نسبت

یکی از صاحب نظران می گوید علی رغم وجود آثار رجالی شیخ نزد نجاشی، او از آنها استفاده ن کرده و فقط ذیل شماره ۲۱۳ به نقل مطلبی از **فهرست او** پرداخته است (شوشتری، ۱۱/۷۹).

اما برخی گفته اند دو فهرست مزبور تحریر مجددی از یک فهرست کهن شیعی است که در دسترس شیخ و نجاشی بوده است و این دو مطالب آن را نقل و گاه با استفاده از منابع دیگر و اطلاعات شخصی خود تکمیل، نقد و تصحیح کردند و در پایان، هر یک طرق خود به مؤلفات را ذکر کردند (مدرسی طباطبایی، ۱۶).

۳-۳- بررسی دیدگاههای مؤید و نافی وجود نسبت مزبور

با فرض پذیرش دیدگاه نخست که قایل به وجود نسبت است شاید بتوان گفت

نجاشی به **فهرست** شیخ طوسی نظر داشته، اما نه از آن جهت که از آن الگو و جهت بگیرد بلکه به تصحیح برخی اشتباهات و نیز به طور طبیعی به بهره گیری از برخی منقولات رجالی و اطلاعات مربوط به آثار نویسندگان موجود در آن نظر داشته است؛ اما الگو و جهت گرفتن را نمی توان پذیرفت زیرا کسی که از سن بیست و چهار سالگی جزء اساتید مسلم حدیث و رجال (معارف، پژوهشی در تاریخ حدیث شیعیه، ۴۳۳؛ همو، مقایسه دیدگاههای رجالی نجاشی و شیخ طوسی، ۴۰) و در این فن ویژه گرا بوده (شوشتری، ۵۴/۱-۵۵) و از محضر متخصصان بزرگ علم رجال کسب علم کرده، چگونه ممکن است کتاب فهرستش به **فهرست** شیخ یا تابعی از آن ناظر باشد که چنین نبوده است علاوه بر این، اطلاعات ارایه شده در **فهرست** نجاشی بسیار بیشتر از آن چیزی است که شیخ در **فهرست** خود بیان کرده است شیخ علاوه بر آن که اکثراً به شرح حال مؤلفان و تبیین وضعیت رجالی آنان نمی پردازد، گاه مؤلفات آنان را نیز تمام و کمال ذکر نمی کند و گاه هیچ گونه اطلاعاتی درباره آثار و مؤلفات آنان ارایه نمی دهد.

اما اگر نظر اخیر که وجود نسبت را نفی می کند بپذیریم، باید گفت این که برخی مطالب **فهرست** شیخ عیناً و گاه مشابه و یا تلخیص آن در **فهرست** نجاشی آمده است نه از آن رو بوده که نجاشی از **فهرست** و **رجال** شیخ بهره گرفته است بلکه از آن رو بوده که احتمالاً هم شیخ طوسی و هم نجاشی مستقل از یکدیگر در نوشتن آثار خود از یک مأخذ بهره جسته اند. برخی از این موارد در **فهرست** شیخ و نجاشی بدین قرار است (طوسی، ش ۱؛ نجاشی، ش ۱۲، طوسی، ش ۲؛ نجاشی، ش ۱۳؛ طوسی، ش ۳۵؛ نجاشی، ش ۶۷، طوسی، ش ۵۲؛ نجاشی، ش ۸، طوسی، ش ۶۱؛ نجاشی، ش ۷، طوسی، ش ۱۸۲؛ نجاشی، ش ۶۵، طوسی، ش ۷۵؛ نجاشی، ش ۱۹۸، طوسی، ش ۷۷؛ نجاشی، ش ۲۱۶، طوسی، ش ۷۹؛ نجاشی، ش ۲۲۶؛ طوسی، ش ۸۲؛ نجاشی، ش ۲۲۹،

طوسی، ش ۸۴؛ نجاشی، ش ۲۳، طوسی، ش ۱۱۶؛ نجاشی، ش ۱۹۱، طوسی، ش ۳۱۶؛ نجاشی، ش ۴۶۷ و...).

یکی دیگر از شواهد تقویت کننده دیدگاه اخیر (عدم وجود نسبت) مطلبی است که نجاشی ذیل نام حسن بن عطیه حناط بیان می کند. او می نویسد: هیچ کس از شیعیان را ندیدم که برای وی اثری ذکر کرده باشد (نجاشی، ص ۴۶). این در حالی است که شیخ برای نامبرده کتاب ذکر کرده است (طوسی، *الفهرست*، ص ۱۳۲). چگونه ممکن است نجاشی فهرست شیخ طوسی را پیش رو داشته باشد اما در این باره این گونه قضاوت کند؟!

بنابراین دیدگاه، ظاهراً منظور نجاشی از «اصحابنا» فهرست شخص یا فهرست های اشخاصی است که بارها مطالب خود را بدانها مستند ساخته است و در تألیف *فهرست* خود از *فهرست* شیخ طوسی تأثیری نپذیرفته و از آن در تنظیم و پرداخت مطالب الگو نگرفته است و شیخ طوسی و نجاشی بنا بر اختلاف مشرب و درجه تخصص خود در رجال و آثار، دو راه مجزا را طی کرده اند. این نظر صرفاً در حد یک فرضیه در این جا مطرح شده است. اثبات آن هب عنوان یک نظریه به ذکر دلایل، شواهد و قراین معتبر نیاز است که در مقاله ای دیگر به آن خواهیم پرداخت.

۴- مقایسه فهرست نجاشی با *فهرست* و *رجال* شیخ طوسی در نقد احوال اشخاص

در آغاز باید به این نکته توجه داشت که سیره امثال شیخ طوسی را در نقد رجال با توجه به نگاه آنان به اخبار و احادیث و دیدگاه اصولی آنان باید مطالعه کرد زیرا عموماً رهیافت به دیدگاه رجالی شخصیت‌های ذو وجوهی چون شیخ طوسی با معیارها و ملاکهای آنان در رد یا پذیرش روایات در ارتباط است.

۴-۱- سه نگاه به اخبار آحاد در میان متقدمان شیعه

در آن دوران میان بزرگان حدیث شیعه دو گرایش متمایز در رد یا پذیرش

روایات وجود داشت. گروهی خبر واحد را به طور کلی فاقد هرگونه ارزش و اعتبار یقین آور می دانستند؛ به عبارتی حجیت آن را انکار می کردند، شیخ مفید و سید مرتضی از این گروه بودند. گروه دیگر، دانشمندانی بودند که از نظر اصولی حجیت خبر واحد را پذیرفته لیکن به اخبار و روایات ضعیف^۱ و قعی نمی گذاشتند. این دانشمندان با تکیه بر تتبع و تحقیق به شناخت متون اصیل از نسخ جعلی و محرف پرداخته و به تفکیک اخبار صحیح از اخبار ضعیف و جعلی معتقد بودند. همچنین آنان عقیده داشتند که راویان ضعیف و مجهول الهویه باید از راویان موثق و شناخته شده جدا شده و اخبار و روایات آنان کنار گذاشته شود.

حسین بن عبدالله غضایری، فرزند او احمد معروف به ابن غضایری، احمد بن علی بن نوح سیرافی، ابوالحسن بغدادی سورایی که همگی از مشایخ مهم و مشهور نجاشی بودند از جمله افرادی هستند که به این سیره علمی شهرت یافته اند (معارف، «مقایسه دیدگاههای رجالی نجاشی و شیخ طوسی»، ص ۴۸-۴۹).

اکنون به بیان دیدگاه نجاشی و شیخ طوسی در این باره می پردازیم:

نجاشی در نقد احوال رجال از مشایخ خود به ویژه ابن نوح و ابن غضایری پیروی کرده است و شخصیت‌های ساختگی، مجهول و ضعیف را شناسانده و مؤلفات را گاه از نظر سند و گاه از لحاظ محتوا ضعیف دانسته است (نجاشی، ص ۱۱، ۱۹، ۳۷، ۵۲، ۷۶، ۸۵، ۹۷، ۱۰۵، ۱۲۲، ۱۴۱، ۱۵۱، ۱۴۳، ۱۵۴، ۱۹۳، ۱۵۶، ۲۰۸، ۱۹۸، ۲۲۵، ۲۱۹، ۲۳۴، ۲۵۸، ۳۲۵، ۲۶۹، ۴۳۰، ۳۵۵، ۳۲۸، ۴۴۲، ۴۵۹).

همچنین وی سعی نموده به هیچ طریق از ضعیفان روایت نکند لذا گفته اند که مشایخ نجاشی همه ثقه بوده اند (خویی، ۱۰۵/۲؛ ۲۲/۱۰). او از عملکرد بعضی اساتیدش که از ضعف روایت کرده بودند تعجب کرده است (ص ۱۲۲). به این ترتیب

۱ - در دوره متقدمان، خبر واحد تنها به دو نوع صحیح و ضعیف تقسیم شده بود (ربانی، دانش درایه الحدیث، ص ۷۴-۷۵).

او حجیت خبر واحد ضعیف را نمی پذیرد.

نگاه سوم به شیخ طوسی متعلق است که حجیت خبر واحد ضعیف را انکار نکرد. او در باب ضوابط پذیرش روایات از معیارهای ساده تری نسبت به دانشمندان قبل از خود استفاده کرد (معارف، «مقایسه دیدگاههای رجالی نجاشی و شیخ طوسی»، ۵۳) و بدین طریق سیره اساتید خود، شیخ مفید و سیدمرتضی و همچنین شیوه ابن غضایری و نجاشیر را منسوخ کرد (بهودی، *گزیده تهذیب*، ۸/۱).

بعد از اشاره اجمالی به سیره شیخ طوسی و نجاشی در برخورد با روایات، اکنون به مقایسه روش و عملکرد هر یک در نقد رجال حدیث می پردازیم.

۴-۲- گرایش اندک شیخ طوسی به تضعیف اشخاص در مقایسه با نجاشی

عدم تمایل شیخ طوسی به مسأله جرح و تعدیل راویان و مؤلفان در *فهرست* و *رجال* او ظاهر است. با توجه به میزان جرح و تعدیل های موجود در *فهرست* و *رجال* می توان گفت شیخ بسیار اندک به این مهم به ویژه در کتاب *فهرست* که در مقدمه آن به بیان آن وعده داده بود پرداخته است. شاید بتوان گفت عدم اظهارنظر و ارایه اطلاعات درباره ی توثیف یا تضعیف راویان و مؤلفان از جانب شیخ به این دلیل بوه است که او می خواسته ضعیفان معرفی و شناسانده نشوند.

زیرا او عمدتاً و به ویژه در *فهرست* نه کسی را توثیق و نه تضعیف می کند و بعید است که بگوییم شیخ از ضعف راویان و مؤلفان بسیاری که نجاشی از آن خبر داده، بی خبر بوده است. البته از نظر دور نداشته باشیم شیخ کتاب *رجال* را صرفاً به این هدف نگاشت تا راویان با واسطه و بی واسطه معصومان(ع) را شمارش نماید و هیچ وعده جرح و تعدیلی نداده است و آن مقدار موجود هم صرفاً برای رفع شبهه یا اختلاف نظر خود با نظر موجود بوده است. مطلبی که در این جا درباره عدم گرایش شیخ به تضعیف راویان آمده است در مقام مقایسه دو اثر رجالی شیخ به ویژه کتاب

۱- ر.ک: شیخ طوسی، *العدة فی علم الاصول*، ج ۱، ص ۱۵۲.

فهرست او با تنها اثر رجالی نجاشی بوده است. به عبارتی مقایسه میان میزان جرح و تعدیل های شیخ در این دو اثر با جرح و تعدیل های نجاشی در کتاب فهرستش انجام شده است.

گفته اند که شیخ با توجه به موقعیت مرجعیت شیعه، شرایط سیاسی - مذهبی بغداد و همچنین حل اختلاف و تعارضات میان علمای شیعه، شیوه مصلحتی در پیش گرفته و در کتابهای رجالی خود به عمد از تضعیف بسیاری از راویان و مؤلفان و آثارشان خودداری کرده و به عبارت دیگر بسیاری از اطلاعات رجالی خود را منعکس نکرده است. بدین ترتیب سعی نموده است تا در دایره جرح و تعدیل راویان قدم ننهد (معارف، «مقایسه دیدگاههای رجالی نجاشی و شیخ طوسی»، ۵۴).

شیخ طوسی پیشوای شیعه در عراق با مسئولیتهای سنگین دینی و اجتماعی بوده است (سبحانی، ص ۹۱) لذا شاید این احتمال طبیعی بنماید که با توجه به کثرت و تنوع اشتغالات علمی، شیخ در مواردی اطلاعات کافی نداشته و فرصت مطالعه درباره آن موارد را نیز به دست نمی آورده است.

جنبه دیگری که در روش شیخ در جرح و تعدیل های او در فهرست به چشم می خورد این است که او معمولاً به آثار و روایات مؤلفان توجه مثبتی دارد و همواره سعی در اعتبار بخشیدن به آنها نموده و در تعقیب این نگاه خود در برخورد با مؤلفان ضعیف تفصیل قائل شده است و حداقل بخشی از روایات یا مؤلفات آنان را صحیح دانسته است (۱۶، ۷۲، ۲۷۱، ۲۵۵، ۴۱۴، ۴۰۶، ۴۰۷، ۴۱۲). اما نجاشی به اثبات اعتبار آثار علاقه ویژه ای ندارد لذا بیشتر، مؤلفات ضعیف را شناسانده است (ص ۶۷، ۱۶۴، ۲۵۱، ۲۶۷، ۶۰، ۲۳۴، ۲۶۵، ۳۲۹، ۲۱۷، ۴۱۶، ۴۴۸، ۳۵۰).

۴-۳- تعارض آرای رجالی شیخ طوسی و نجاشی

با توجه به حجم اندک جرح و تعدیل هایی که شیخ طوسی خود یا به نقل از دیگران انجام داده است می توان گفت توثیقات او به مراتب بیش از تضعیفات است.

شیخ که عمدتاً به ضعف اشخاص اشاره نمی‌کند، گاه شماری از ضعیفان را نیز توثیق می‌کند. به عنوان مثال وی داود بن کثیر رقی را ثقه خوانده است (*الرجال*، ص ۳۳۶) اما نجاشی اکیداً او را تضعیف کرده و سبب آن را روایت غالیان از او دانسته است (ص ۱۵۶). گفتنی است پیش از شیخ طوسی، شیخ مفید و صدوق او را توثیق کرده بودند (خویی، ۱۲۳/۷). کشی نیز درباره او گفته است: «غالیان او را از بزرگان خود ذکر کرده اند و روایات ناروایی مشتمل بر غلو از او نقل کرده اند، اما من از کسی طعنی درباره او نشنیدم» (طوسی، *اختیار معرفة الرجال*، ص ۴۰۸). دو قول به ظاهر متناقض قابل جمع است چنان که دیگران بین آن دو جمع کرده اند.

گفته شده است منشأ قول نجاشی، اظهار نظر ابن غضایری درباره داود بن کثیر رقی است (خویی، ج ۷، ص ۱۲۵). زیرا وی در مقام تضعیف نامبرده نوشته است «کان فاسد المذهب، ضعیف الروایه، لا یلتفت الیه» (ابن غضایری، ص ۵۸).

بنابراین، نجاشی در گام اول به دلیل روایت غالیان از داود، او را تضعیف کرده و سپس اظهار نظر ابن غضایری درباره او را مؤید نظر خود دانسته است.

ظاهراً کشی، مفید، صدوق و به تبع آنان، شیخ طوسی، روایت غالیان از شخص را به تنهایی عامل ضعف ندانسته اند، اما نجاشی این عامل را از مهمترین عوامل ضعف راوی دانسته است.^۱

برخی از ضعیفان دیگری که شیخ طوسی آنان را توثیق کرده عبارتند از: جعفر بن محمد بن مالک (*الرجال*، ص ۴۱۸)، مفضل بن عمر جعفری (*الغیبه*، ص ۳۴۶) و معلی بن خنیس (همان، ص ۳۴۷).^۲

۱ - غالیان به دو دسته «غالیان در ذات» و «غالیان در صفات» تقسیم می‌شوند. غالیان در ذات در مقام عقیده و نظر، از مذهب معتدل و صحیح منحرف و در مقام رفتار و عمل معمولاً قائل به اباحی‌گری نسبی یا مطلق بودند و از هیچ عمل خلافی ابا نداشته اند و جعل و دروغ بافی در قلمرو حدیث را امر سهل و پیش پا افتاده ای می‌دانستند (صفری، «جریان شناسی غلو (۱)»، ص ۱۲۴، ۱۲۰) غالیان، ص ۱۰۷-۱۰۴) و نجاشی دقیقاً به همین سبب، در قبال این جماعت موضع سختی دارد چون غالیگری بدین معنا با دروغ و ضعف در روایت و حدیث ملازمه داشته است.

۲- تضعیف این اشخاص در *فهرست نجاشی* به ترتیب عبارتند از: ص ۴۱۶، ۱۲۲، ۴۱۷.

از سوی دیگر، گرچه نجاشی سیره استاد خود، ابن غضایری را در شناسایی ضعفاً تعقیب کرده است اما گاه اشخاصی را که شیخ به پیروی از ابن ولید و شیخ صدوق تضعیف نموده، توثیق کرده است؛ از جمله، محمد بن عیسی بن عبید که شیخ به تبعیت از صدوق از ابن ولید او را تضعیف کرده است (*الفهرست*، ص ۴۰۲؛ *الرجال*، ص ۳۹۱، ۴۴۸) اما نجاشی توثیق وی را با الفاظی بیان کرده که گویا کسی درباره وثاقت وی شبهه ای ندارد و همگان او را توثیق کرده اند. او محمد بن عیسی را از اصحاب جلیل شیعیان دانسته و برای توثیق مؤکد او از تکرار معنوی اصطلاحات استفاده کرده است (ثقه، عین) (ص ۳۳۳).

محققان منشأ تضعیف محمد بن عیسی بن عبید را اجتهاد شخصی ابن ولید دانسته اند و گفته اند وی روایات منفرد و منقطع^۱ محمد بن عیسی از یونس بن عبدالرحمن را به دلیل خصوصیتی که دارد معتبر ندانسته است. بنابراین، ابن ولید، محمد بن عیسی را فی نفسه تضعیف نکرده و روایات او را مطلقاً رها نکرده است بلکه روایات منفرد او از یونس را رها کرده لیکن روایات او از غیر یونس را نقل کرده است. شیخ صدوق نیز همچون استادش، روایات محمد بن عیسی بن عبید از دیگران را در من لایحضره الفقیه نقل کرده است. اما شیخ طوسی که تضعیف محمد بن عیسی بن عبید را به ابن ولید و صدوق نسبت داده، ظاهراً از خصوصیت سخن ابن ولید درباره نامبرده (رد روایات منفرد و منقطع او از یونس بن عبدالرحمن) آگاهی نداشته یا غفلت ورزیده و گمان کرده است ترک این گونه روایات محمد بن عیسی توسط ابن ولید ناشی از ضعف شخص راوی بوده است، لذا او را به تبعیت از ابن ولید تضعیف کرده است. ظاهراً استثناء ابن ولید در عدم اعتبار روایات منفرد محمد بن عیسی بن عبید مبتنی بر اجتهاد و نظر شخصی وی بوده است (خویی، ۱۱۶/۱۷ - ۱۱۹).

۳- منفرد، حدیثی است که راوی آن، به نقل حدیث منفرد باشد؛ یعنی دیگر روات، این حدیث را ذکر نکرده باشند. حدیث منقطع نیز حدیثی را گویند که یک نفر از وسط زنجیره حدیث افتاده باشد (مدیر شانه چی، *درایة الحدیث*، ص ۸۳، ۶۰).

از دیگر مؤلفانی که نجاشی او را توثیق (ص ۱۸۸) و شیخ او را تضعیف (*الفهرست*، ص ۲۲۶) کرده، شخصی به نام سالم بن مکرم است. ظاهراً منشأ تضعیف شیخ، اشتباهی است که او در کنیه مؤلف کرده و بدین ترتیب میان دو نام مشترک ضعیف و ثقه خلط کرده است. در میان راویان دو تن به نامهای ابوخدیجه، سالم بن ابی سلمه کندی (ضعیف) و ابوخدیجه، سالم بن مکرم (موثق) وجود دارد که شخص اخیر کنیه دیگری به نام ابوسلمه نیز دارد. شیخ به گمان اینکه، ابوسلمه کنیه پدر سالم است، او را سالم بن ابی سلمه کندی پنداشته و تضعیف کرده است. گفتنی است شیخ در انتهای طریق خود به سالم بن مکرم، از تعبیر سالم بن ابی سلمه استفاده کرده است (خویی، ۲۶-۲۴/۸).

نمونه های دیگر از این دست عبارت است از: احمد بن هلال عبرتایی (*الفهرست*، ص ۸۳؛ *الرجال*، ص ۳۸۴)، محمد بن بحر رهنی (*الفهرست*، ص ۳۹۰؛ *الرجال*، ص ۴۴۷)، عبیدالله بن احمد انباری (*الرجال*، ص ۴۳۴)، عبدالکریم بن عمرو خثعمی (همان، ص ۳۳۹)، علی بن محمد قاسانی (همان، ص ۳۸۸) و حسن بن حسین لؤلؤیی (همان، ص ۴۲۴).^۱

آن چه در این قسمت آوردیم با دیدگاههای بنیادی و مبنای اصولی شیخ طوسی و نجاشی مرتبط است. در این جا خواسته ایم روش و عملکرد شیخ طوسی و نجاشی را در آثار رجالی ایشان نشان دهیم. بدین ترتیب معلوم می شود شیخ طوسی که به عنوان یک دیدگاه اصولی مبنایی به حجیت خبر واحد ضعیف باور دارد در مقایسه با نجاشی کمتر سخت می گرفته و کمتر به تضعیف اشخاص و آثارشان تمایل نشان داده و بیشتر به مدارا با راویان و نگاه مثبت به دستاوردهای گرایش داشته است.

نتیجه

- *فهرست (رجال)* نجاشی به دلایلی چند از جمله: تأخر تألیف، تمرکز او در

۱ - توثیق یا تعدیل نامبردگان در فهرست نجاشی به ترتیب عبارتند از: ص ۴۰، ۲۵۵، ۲۴۵، ۲۳۲، ۳۸۴، ۸۳

علم رجال، بهره گیری وی از استادان نامدار دانش رجال و حدیث و... برتری ویژه ای نسبت به آثار رجالی شیخ طوسی دارد.

- ظاهراً نجاشی در تدوین **فهرست** خود علی رغم وجود آثار رجالی شیخ نزد او کمترین بهره را از آنها برده و بیشتر از اطلاعات خود که از جوانی در پی آنها بوده و نیز از استادان خبره علم رجال که با آنان معاصر بوده است استفاده کرده است.

- وجود پاره ای تعارضها میان آرای رجالی شیخ طوسی و نجاشی نشانگر وجود اختلاف مشرب میان آن دو است.

- و در پایان این که شیخ طوسی و نجاشی بنا بر اختلاف مشرب و درجه تخصص در رجال و آثار، دو راه مجزا را طی کرده اند.

منابع

- آقا بزرگ تهرانی، محمد محسن؛ **الذریعه الی تصانیف الشیعه**، چاپ سوم، بیروت، ۱۴۰۳ق.
- الأمین، محسن؛ **اعیان الشیعه**، بیروت، ۱۴۰۳ق.
- ابن غضایری، احمد بن حسین؛ **الرجال**، تحقیق: محمدرضا حسینی جلالی، چاپ اول، قم، دارالحدیث، ۱۴۲۲ق.
- انصاری، حسن؛ «ابن غضایری»، **دایرة المعارف بزرگ اسلامی**، زیر نظر کاظم موسوی بجنوردی.
- بحرالعلوم، محمد صادق؛ **مقدمه بر رجال طوسی**، نجف، انتشارات حیدریه، ۱۳۸۱ق.
- بحرالعلوم، محمد مهدی؛ **الفوائد الرجالیة**؛ رجال بحرالعلوم، تحقیق: محمد صادق بحرالعلوم و حسین بحرالعلوم، چاپ اول، نجف، دارالزهراء، ۱۳۸۵ق.
- بهبودی، محمد باقر؛ **گزیده تهذیب**، چاپ اول، تهران، انتشارات کویر، ۱۳۷۰.

- _____؛ *معرفة الحديث*، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۶۲.
- جعفری، یعقوب؛ «مقایسه ای میان دو مکتب فکری شیعه در قم و بغداد در قرن چهارم»، *مقالات فارسی کنگره جهانی شیخ مفید*، ش ۶۹، صص ۳-۴۱، فروردین ۱۳۷۲.
- حریری، یوسف؛ *فرهنگ اصطلاحات حدیث*، قم، دارالحدیث، ۱۳۸۵.
- خواجویی، محمد اسماعیل؛ *الفوائد الرجالية*، تحقیق: مهدی رجایی، مشهد، ۱۴۱۳ق/ ۱۳۷۲ش.
- خویی، آیه الله ابوالقاسم سید موسوی، *معجم رجال الحدیث شیعه*، قم، مرکز نشر آثار شیعه، ۱۴۱۰ق.
- دوانی، علی؛ «سیری در زندگی شیخ طوسی از طوس تا نجف»، *یادنامه شیخ الطایفه ابوجعفر محمد بن حسن طوسی*، ج ۱، صص ۱۸۵-۲۱۲، ۱۳۸۴.
- ربانی، محمد حسن؛ *دانش درایة الحدیث*، چاپ اول، مشهد، دانشگاه علوم اسلامی رضوی، ۱۳۸۰.
- سبحانی، جعفر؛ *کلیات علم الرجال*، ترجمه: مسلم قلی پور گیلانی، علی اکبر روحی، چاپ اول، انتشارات قم، ۱۳۸۰.
- شوشتری، محمدتقی؛ *قاموس الرجال*، تهران، مرکز نشر کتاب، ۱۳۷۹.
- صفری فروشانی، نعمت الله؛ «جریان شناسی غلو»، *علوم حدیث*، ش ۱، پاییز ۱۳۷۵.
- _____؛ *غالیان - کاوشی در جریانها و برآیندها تا پایان سده سوم*، چاپ اول، مشهد، بنیاد پژوهشهای اسلامی، ۱۳۷۸.
- طوسی، محمد بن حسن؛ *الرجال*، تصحیح: محمد صادق بحر العلوم، نجف، انتشارات حیدریه، ۱۳۸۱ق.
- _____؛ *العدة فی اصول الفقه*، تحقیق: محمدرضا انصاری، چاپ اول، قم، مطبعه ستاره، ۱۴۱۷ق.

_____؛ *الغیبة*، تحقیق: عبادالله طهرانی، علی احمد ناصح، چاپ اول، قم، مؤسسه معارف اسلامی، ۱۴۱۱ق.

_____؛ *اختیار معرفة الرجال*؛ رجال الکشی، تحقیق: سید حسن مصطفوی، دانشگاه فردوسی مشهد، ۱۳۴۸.

_____؛ *الفهرست*، تحقیق: محمد صادق بحر العلوم، نجف، مکتبه المرتضویه، بی تا. قربانی، زین العابدین؛ *علم حدیث و نقش آن در شناخت و تهذیب حدیث*، قم، چاپ صدر، ۱۳۷۰.

قیومی، جواد؛ *مقدمه بر فهرست طوسی*، قم، مؤسسه نشر الفقاهه، ۱۴۱۷ق. مدرس طباطبایی، حسین؛ *میراث مکتوب شیعه از سه قرن نخستین هجری*، ترجمه: علی قزایی، رسول جعفریان، دفتر اول، قم، کتابخانه تخصصی تاریخ اسلام و ایران، ۱۳۸۳.

مدیر شانه چی، کاظم؛ *علم الحدیث و درایة الحدیث*، چاپ چهاردهم، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۷۸.

معارف، مجید؛ «مقایسه دیدگاههای رجالی نجاشی و شیخ طوسی»، *مقالات و بررسیها*، دانشکده الهیات دانشگاه تهران، دفتر ۶۲، صص ۳۹-۵۷، زمستان ۱۳۷۶.

_____؛ *پژوهشی در تاریخ حدیث شیعه*، چاپ اول، تهران، مؤسسه فرهنگی و هنری ضریح، ۱۳۷۴.

نجاشی، احمد بن علی؛ *رجال*، تحقیق: موسی شبیری زنجانی، چاپ هفتم، مؤسسه نشر اسلامی، ۱۴۲۴ق.

واعظ زاده خراسانی، محمد؛ *مقدمه بر اختیار معرفة الرجال*، دانشگاه فردوسی مشهد، ۱۳۴۸.